ISSN: 2008-8000

Erosion of Human Capital and Disruption in Scientific Reproduction Cycle: A Qualitative Account of Graduate Students Exceeding the Standard Duration of Study at Ferdowsi University of Mashhad [1]

Article Type: Research

Zahra BaradaranKashani*

Corresponding Author: Ph.D. in Economic Sociology and Development, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. Email: zbaradaran@ferdowsi.um.ac.ir

Hossein Mirzaei

Associate Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Letters and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. Email: hmirzaei@um.ac.ir

Mahdi kermani

Associate Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Letters and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. Email: m-kermani@um.ac.ir

Ahmad mousemi

M.A. in Social Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. Email: a_mousemi@yahoo.com

Abstract

Objective: Extended study duration among graduate students is a major challenge in higher education, with consequences that extend beyond delayed graduation and may lead to human capital erosion and disruption of the academic reproduction cycle. This study aimed to provide a qualitative explanation of the causes of extended study duration among graduate students and its implications for human capital and academic reproduction at Ferdowsi University of Mashhad.

Method: This study employed thematic analysis based on Attride-Stirling's Thematic Networks Approach. Data were collected through semi-structured interviews with faculty members using purposive sampling until theoretical saturation was reached. In addition, a focus group session with graduate students experiencing extended study duration was conducted to complement and enrich the findings.

Findings: The findings showed that extended study duration can be explained through five overarching themes: conflict between academic identity and livelihood and family demands; structural and bureaucratic barriers; faculty–student interactions and ineffective academic supervision styles; human capital erosion and disruption in academic reproduction cycle; and diverse patterns of prolonged study. Reduced motivation and research identity, declining academic productivity, weakened academic interactions, increased economic and psychological pressures, and reduced capacity for knowledge production and reproduction were among the most important identified consequences.

Conclusion: Extended study duration is not merely an educational or individual issue but a structural and multidimensional phenomenon associated with human capital erosion and disruption in academic reproduction within the university. Therefore, reforming academic supervision policies, developing student support systems, and reducing structural barriers can contribute to preserving human capital and improving the efficiency of the higher education system.

Keywords: extended time-to-degree, human capital, scientific reproduction, thematic analysis, postgraduate students, Ferdowsi University of Mashhad

[1] This article is derived from the approved research project entitled "The Phenomenon of Academic Persistence and Accumulation in the Dormitories of Ferdowsi University of Mashhad: From Identifying Crisis Hotspots to Developing Exit Strategies". This study was conducted in the summer of 2025 by the Cultural and Social Studies and Planning Office, commissioned by the Vice-Presidency for Cultural, Social, and Student Affairs at Ferdowsi University of Mashhad.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

فرسایش سرمایه انسانی و انسداد چرخه بازتولید علمی: روایتی کیفی از سنواتی شدن دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه فردوسی مشهد[۱]

نوع مقاله: پژوهشی

زهرا برادران کاشانی* نویسنده مسئول: دکتری جامعه شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
رایانامه: zbaradaran@ferdowsi.um.ac.ir

حسین میرزایی دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
رایانامه:hmirzaei@um.ac.ir

مهدی کرمانی دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. رایانامه: m-kermani@um.ac.ir

احمد موسمی کارشناس ارشد علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران a_mousemi@yahoo.com

چکیده

هدف: سنواتی شدن دانشجویان تحصیلات تکمیلی از چالش‌های مهم آموزش عالی است که پیامدهای آن فراتر از تأخیر در فراغت از تحصیل بوده و می‌تواند به فرسایش سرمایه انسانی و اختلال در بازتولید علمی دانشگاه منجر شود. پژوهش حاضر با هدف تبیین کیفی علل سنواتی شدن دانشجویان تحصیلات تکمیلی و پیامدهای آن بر سرمایه انسانی و بازتولید علمی در دانشگاه فردوسی مشهد انجام شد.

روش: این پژوهش با رویکرد تحلیل مضمون و بر اساس الگوی شبکه مضامین آترایدِ استرلینگ انجام شد. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با اعضای هیئت علمی و با نمونه‌گیری هدفمند تا دستیابی به اشباع نظری گردآوری و تحلیل شد. همچنین، برای تکمیل و غنای یافته‌ها، از یک نشست گروه کانونی با دانشجویان سنواتی استفاده شد.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که سنواتی شدن در قالب پنج مضمون فراگیر شامل تعارض هویت علمی با ضرورت‌های معیشتی و خانوادگی، موانع ساختاری و بوروکراتیک، تعامل استاد و دانشجو و سبک‌های ناکارآمد هدایت علمی، فرسایش سرمایه انسانی و انسداد چرخه بازتولید علمی و الگوهای متفاوت رسوب تحصیلی قابل تبیین است. کاهش انگیزه و هویت پژوهشی، افت بهره‌وری علمی، تضعیف تعاملات علمی، افزایش فشارهای اقتصادی و روان‌شناختی و کاهش ظرفیت تولید و بازتولید دانش از مهم‌ترین پیامدهای شناسایی‌شده بود.

نتیجه‌گیری: سنواتی شدن صرفاً مسئله‌ای آموزشی یا فردی نیست، بلکه پدیده‌ای ساختاری و چندبعدی است که با فرسایش سرمایه انسانی و اختلال در بازتولید علمی دانشگاه پیوند دارد. بنابراین، اصلاح سیاست‌های هدایت علمی، توسعه حمایت‌های دانشجویی و کاهش موانع ساختاری می‌تواند به حفظ سرمایه انسانی و ارتقای کارآمدی نظام آموزش عالی کمک کند.

کلیدواژه‌ها: سنواتی شدن دانشجو، سرمایه انسانی، بازتولید علمی، تحلیل مضمون، تحصیلات تکمیلی، دانشگاه فردوسی مشهد.

[۱] مقاله برگرفته از طرح پژوهشی مصوب تحت عنوان « پدیده ماندگاری تحصیلی و رسوب در خوابگاه‌های دانشگاه فردوسی مشهد: از شناسایی کانون‌های بحران تا ارائه راهبردهای برون‌رفت» می باشد که در تابستان ۱۴۰۴ و به سفارش معاونت فرهنگی، اجتماعی و دانشجویی دانشگاه فردوسی مشهد، توسط گروه مطالعات و برنامه ریزی فرهنگی و اجتماعی انجام شده است.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

مقدمه و بیان مسئله

پدیده سنواتی شدن دانشجویان در دانشگاه‌ها، به‌ویژه در مقاطع تحصیلات تکمیلی، به یکی از چالش‌های مهم نظام آموزش عالی تبدیل شده است. این پدیده تنها به افزایش مدت زمان تحصیل محدود نمی‌شود، بلکه پیامدهای گسترده‌ای در ابعاد آموزشی، اقتصادی، روان‌شناختی و اجتماعی به همراه دارد. دانشجویانی که فراتر از سنوات مجاز به تحصیل ادامه می‌دهند، علاوه بر تحمل هزینه‌های مالی و روانی، بخشی از ظرفیت‌های آموزشی، پژوهشی و رفاهی دانشگاه را نیز برای مدت طولانی‌تری به خود اختصاص می‌دهند. ازاین‌رو، مسئله سنواتی شدن صرفاً یک مسئله فردی نیست، بلکه به یکی از دغدغه‌های مدیریتی و سیاست‌گذاری آموزش عالی نیز تبدیل شده است (vahedi, hashemi & shafiei, 2015).

اگرچه این پدیده در تمامی مقاطع تحصیلی مشاهده می‌شود، اما در دوره‌های تحصیلات تکمیلی ابعاد پیچیده‌تری پیدا می‌کند. ماهیت پژوهش‌محور این دوره‌ها، وابستگی پیشرفت تحصیلی به کیفیت تعامل دانشجو و استاد راهنما، دشواری انجام پایان‌نامه یا رساله، محدودیت‌های زیرساختی، اشتغال هم‌زمان دانشجویان و فشارهای اقتصادی، زمینه را برای طولانی شدن دوره تحصیل فراهم می‌کند. تداوم این وضعیت نه‌تنها فراغت از تحصیل را به تأخیر می‌اندازد، بلکه پیامدهایی فراتر از زندگی فردی دانشجویان بر جای می‌گذارد و عملکرد دانشگاه را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. در دانشگاه فردوسی مشهد نیز روند افزایشی دانشجویان سنواتی، به‌ویژه در مقاطع تحصیلات تکمیلی، این مسئله را به یکی از چالش‌های قابل توجه نظام آموزشی و پژوهشی دانشگاه تبدیل کرده است. استمرار حضور این دانشجویان، علاوه بر افزایش فشار بر امکانات رفاهی و آموزشی، مدیریت ظرفیت‌های دانشگاه را با دشواری روبه‌رو ساخته و بهره‌وری نظام آموزش عالی را تحت تأثیر قرار داده است.

با وجود این، اهمیت مسئله تنها در افزایش هزینه‌های آموزشی یا رفاهی خلاصه نمی‌شود. دانشجویان تحصیلات تکمیلی، به‌ویژه در مقطع دکتری، صرفاً دریافت‌کنندگان آموزش نیستند؛ آنان بخشی از سرمایه انسانی دانشگاه و حلقه‌ای اساسی در زنجیره تولید، انتقال و بازتولید دانش به شمار می‌روند. بخش مهمی از پژوهش‌های دانشگاهی، فعالیت‌های آزمایشگاهی، انتشار مقالات، اجرای طرح‌های پژوهشی و حتی تربیت نسل آینده اعضای هیئت علمی بر ظرفیت علمی این گروه استوار است. ازاین‌رو، هرگونه وقفه یا تأخیر طولانی در مسیر علمی آنان، تنها به معنای طولانی شدن دوره تحصیل نیست، بلکه نشانه‌ای از فرسایش تدریجی سرمایه انسانی و کاهش ظرفیت دانشگاه در بازتولید علمی است (Webber & Ehrenberg, 2010; Görgen & Schienle, 2019).

با وجود اهمیت این موضوع، بخش عمده پژوهش‌های انجام‌شده درباره سنواتی شدن دانشجویان، این پدیده را عمدتاً در سطح عوامل مؤثر بر تأخیر در فراغت از تحصیل یا پیامدهای فردی آن بررسی کرده‌اند (Richardson, Abraham, & Bond, 2012; Leon et al., 2019; Aina et al., 2018, 2019; Fricke, 2018; Minor, 2023; Webber & Ehrenberg, 2010). در مقابل، پیامدهای نهادی این پدیده، به ویژه چگونگی فرسایش سرمایه انسانی و اختلال در چرخه بازتولید علمی دانشگاه، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. ازاین‌رو، سازوکارهای شکل‌گیری این پیامدها و تجربه کنشگران دانشگاهی مستلزم بررسی هم‌زمان دیدگاه اعضای هیئت علمی، به عنوان ناظران فرایندهای آموزشی و پژوهشی و تجربه‌های زیسته دانشجویان دارای سابقه قابل‌توجه سنوات تحصیلی است.

از آنجا که فهم این لایه‌های پنهان تنها از خلال روایت‌ها، تجربه‌های زیسته و تفسیر مشارکت‌کنندگان امکان‌پذیر است، پژوهش حاضر با رویکردی کیفی و با استفاده از روش تحلیل مضمون، دیدگاه‌های اعضای هیئت علمی را درباره پیامدهای سنواتی شدن بررسی

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

کرده است. همچنین، به‌منظور غنا بخشیدن به یافته‌ها و بازتاب تجربه مستقیم دانشجویان، یک نشست گروه کانونی با دانشجویان سنواتی تحصیلات تکمیلی برگزار شد. یافته‌های حاصل از این گروه کانونی در تفسیر، تکمیل و اعتباربخشی مضامین استخراج‌شده به کار گرفته شد. بر این اساس، پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که علل سنواتی شدن دانشجویان تحصیلات تکمیلی چیست، فرآیند فرسایش سرمایه انسانی در میان آنان چگونه شکل می‌گیرد و این فرآیند چه پیامدهایی برای چرخه بازتولید علمی دانشگاه فردوسی مشهد به همراه دارد؟

پیشینه تحقیق

بررسی نظام‌مند مطالعات داخلی و بین‌المللی نشان می دهد که اگرچه پژوهش‌های انجام‌شده همگی به مسئله تأخیر در فراغت از تحصیل پرداخته‌اند، اما از نظر اهداف، کانون تحلیل و یافته‌های اصلی تفاوت‌های قابل توجهی دارند. در مطالعات ایرانی، تمرکز عمدتاً بر تبیین علل فرسودگی تحصیلی و شناسایی عوامل مؤثر بر افزایش سنوات بوده است. این پژوهش‌ها با تأکید بر متغیرهایی مانند اهمال‌کاری، کمال‌گرایی، کیفیت خدمات آموزشی، کیفیت یادگیری، امید شغلی و روابط استاد و دانشجو، تلاش کرده‌اند سازوکارهای روان‌شناختی، آموزشی و رفتاری مؤثر بر طولانی شدن دوره تحصیل را تبیین و راهکارهایی متناسب با شرایط آموزش عالی ایران ارائه کنند (Barzegar et al., 2015; Tabei et al., 2023; Hosseini Largani, 2017; Khabbaz et al., 2014; Sheikholeslami et al., 2015; Sajjadi et al., 2026).

در مقابل، مطالعات بین‌المللی بیشتر بر مدیریت زمان فراغت از تحصیل، مدل‌سازی خطر تأخیر تحصیلی، تحلیل پیامدهای اقتصادی و پیش‌بینی احتمال افزایش سنوات تمرکز داشته‌اند. این پژوهش‌ها نشان می‌دهند که فشارهای مالی، اشتغال هم‌زمان، تغییر رشته، عملکرد تحصیلی اولیه و ساختارهای دانشگاهی، مهم‌ترین عوامل افزایش زمان دریافت مدرک هستند و تأخیر در فراغت از تحصیل با کاهش درآمد، افزایش هزینه‌های فرصت و کاهش بهره‌وری نظام آموزش عالی ارتباط دارد (Aiken et al., 2020; Aina et al., 2019; Letkiewicz et al., 2014). در مجموع، یافته‌های مطالعات بررسی‌شده نشان می‌دهد که سنوات تحصیلی پدیده‌ای چندبعدی است و حاصل تعامل عوامل آموزشی، ساختاری، اقتصادی و روان‌شناختی است. در بعد آموزشی، ضعف کیفیت آموزش، اختلال در روابط استاد و دانشجو، ناکارآمدی فرایندهای یادگیری، بوروکراسی پایان‌نامه و ضعف هدایت علمی، از مهم‌ترین عوامل افزایش سنوات معرفی شده‌اند (Alizadeh Aghdam et al., 2021, 2022; Gholamzadeh Nikjou et al., 2024; Ghiasi Nadoushan, 2022; Fattahi et al., 2021). در بعد اقتصادی نیز فشارهای مالی، اشتغال هم‌زمان، بدهی‌های دانشجویان، محدودیت منابع مالی، تغییر رشته و عملکرد ضعیف در سال‌های نخست تحصیل، روند پیشرفت آموزشی را کند کرده و احتمال افزایش سنوات را تقویت می‌کنند (Tabei et al., 2023; Ghiasi Nadoushan, 2022; Gharaeian et al, 2025).

از منظر روان‌شناختی، پژوهش‌ها نقش اهمال‌کاری، کمال‌گرایی ناسازگار، کاهش انگیزه، افت امید شغلی و کاهش سلامت روان را در تشدید فرسودگی تحصیلی و افزایش احتمال سنواتی شدن تأیید کرده‌اند (Ghafelehbashi et al., 2015; Ghanbari & Ahmadi, 2021; Moraga-Pomarino et al., 2023). همچنین، مطالعات نشان می‌دهند که تأخیر در فراغت از تحصیل از یک سو با کاهش درآمد، افزایش هزینه‌های فرصت و محدود شدن مسیرهای حرفه‌ای همراه است و از سوی دیگر، در برخی شرایط می‌تواند راهبردی آگاهانه برای مدیریت فشارهای اقتصادی یا کسب تجربه شغلی باشد (Mohammadi et al., 2014; Naami, 2009; Vahedi et al., 2014; Liu, 2022; Rakhshandeh-Rou & Ghaffari, 2017). در نهایت، پژوهش‌های پیشین بر نقش

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

راهبردهای خودتنظیمی، حمایت‌های مالی، مشاوره‌های اعتباری و اصلاح ساختارهای آموزشی در کاهش احتمال سنواتی شدن تأکید کرده‌اند (Pego et al., 2024; Witvliet & attwel, 2021; Gholamzadeh Nikjou et al., 2024; Ghiasi Nadoushan, 2022). با وجود این، بخش عمده این مطالعات، سنوات تحصیلی را عمدتاً از منظر عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن بررسی کرده‌اند و کمتر به پیامدهای نهادی آن، به‌ویژه فرسایش سرمایه انسانی و اختلال در چرخه بازتولید علمی دانشگاه پرداخته‌اند. همچنین، تجربه زیسته اعضای هیئت علمی و دانشجویان دارای سابقه قابل‌توجه سنوات تحصیلی درباره این پیامدها کمتر به‌صورت کیفی بررسی شده است؛ خلأیی که پژوهش حاضر درصدد پاسخ‌گویی به آن می باشد.

چارچوب مفهومی

در آموزش عالی بحث سنوات تحصیلی یا تاخیر در فارغ التحصیلی پدیده ای پیچیده و چند بعدی است که تحت تاثیر عوامل درون دانشگاهی، اجتماعی، اقتصادی، روان شناختی و خانوادگی شکل می گیرند. برای درک این پدیده استفاده از نظریه های و مدل های نظری ضروری به نظر می رسد. یکی از مهمترین نظریات این حوزه، نظریه انصراف وینسنت تینتو است، این نظریه یک چارچوب جامعه شناختی- روان شناختی برای تحلیل بحث سنوات تحصیلی فراهم می کند و تاکید می کند که موفقیت تحصیلی و ادامه تحصیل دانشجو به میزان انسجام او با محیط دانشگاه بستگی دارد (Aiken et al., 2020; Tinto, 1975).

تینتو انسجام را در دو بعد آکادمیک و اجتماعی بررسی می کند، در بعد انسجام آمادمیک و دانشگاهی، توانایی دانشجو در تطبیق با الزامات تحصیلی و تعاملات موثر با اساتید و البته یادگیری محتوای رشته تحصیلی مورد تاکید قرار می گیرد، در انسجام اجتماعی نیز مشارکت در فعالیت های دانشجویی، ایجاد شبکه های دوستانه و نهایتا احساس تعلق به جامعه دانشگاهی مورد تاکید قرار می گیرد (Tinto & Pusser, 2006) در چارچوب مد نظر تینتو، سنوات تحصیلی نتیجه یک فرایند تعاملی بوده است، به این صورت که زمانی که دانشجو در یکی از ابعاد یا در هر دو بعد انسجام ناکافی داشته باشد، تعاهد او به هدف تحصیلی و نهاد دانشگاه کاهش می یابد و در نهایت یا مسیر تحصیل خود را با تاخیر طی خواهد کرد و یا کاملا ترک تحصیل می نماید (Moraga-Pumarino, Salvo-Garrido, & Polanco-Levicán, 2023).

از بعد اقتصادی نیز پدیده سنواتی شدن را می توان مبتنی بر بحث هزینه و فایده و محدودیت های مالی که در مدل نظری یکپارچه تداوم تحصیل مطرح شده است، تحلیل کرد. بر اساس این نظریه فشار مالی و بدهی های شخصی می توانند منابع ذهنی و زمانی دانشجو را کاهش داده و انسجام او را با دانشگاه تضعیف کند، از این کاهش استرس مالی احتملا باعث کاهش سنوات تحصیلی می شود (Letkiewicz, Lim, Heckman, Bartholomae, Fox, & Montalto, 2014). مبتنی بر نظریه سرمایه انسانی گری بکر نیز، دانشجویان تحصیل، هزینه، شهریه و زمان از دست رفته در طول مدت تحصیل را به عنوان نوعی از سرمایه گذاری می بینند، در این شرایط دانشجویانی دچار محدودیت نقدینگی هستند و منابع مالی کافی ندارند، بر اساس مدل محدویدت نقدینگی مجبور کار کردن در فرایند تحصیل خود می شوند، در این شرایط عملکرد دانشگاهی دانشجو کاهش می یابد و این باعث کاهش سرعت تحصیل می شود و می تواند طول مدت تایر را افزایش دهد (Becker, 1962) . در بعد روان شناختی نیز، بر اساس مدل های انگیزش و خودکارآمدی، مواردی مانند کاهش انگیزه در طول تحصیل، احساس کارآمدی پایین، افسردگی، مشکلات خانوادگی و مسائل روانی، می توانند باعث به تعویق انداختن تحصیل و عملکرد ضعیف در درس های مختلف باشد، این مورد به صورت غیر مستقیم می تواند باعث طولانی شدن روند تحصیل شود (Aina, Baici, Casalone, & Pastore, 2019).

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

روش پژوهش

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی تحلیل مضمون[1] انجام شده است. انتخاب رویکرد کیفی با توجه به ماهیت مساله تحقیق یعنی دست یابی به درکی عمیق از ابعاد، زمینه ها و سازوکارهای موثر بر پدیده سنواتی شدن دانشجویان تحصیلات تکمیلی صورت گرفته است، از آن جایی که سنواتی شدن دانشجویان پدیده ای چند بعدی است و تحت تاثیر عوامل آموزشی، پژوهشی، ساختاری، اقتصادی، خانوادگی و روانی و اجتماعی قرار دارد، تحلیل مضمون امکان شناسایی و سازمان دهی الگوهای معنایی موجود در تجربه ها و دیدگاه های مشارکت کنندگان را فراهم می کند.

در این پژوهش، برای تحلیل داده‌های کیفی از الگوی شبکه مضامین (Attride-Stirling، ۲۰۰۱) استفاده شده است. شبکه مضامین، رویکردی نظام‌مند برای شناسایی، سازمان‌دهی و تفسیر مضامین موجود در داده‌های کیفی است و مضامین را در سه سطح مضامین پایه، مضامین سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر سازمان‌دهی می‌کند. مضامین پایه، مفاهیم و الگوهای معنایی اولیه و نزدیک به داده‌های خام هستند؛ مضامین سازمان‌دهنده از طریق ترکیب و سازمان‌دهی مضامین پایه مرتبط شکل می‌گیرند و در سطحی انتزاعی‌تر، ابعاد اصلی پدیده مورد مطالعه را نشان می‌دهند؛ در نهایت، مضامین فراگیر، مفاهیم کلان و جامع‌تری هستند که مجموعه مضامین سازمان‌دهنده را در یک ساختار مفهومی منسجم به یکدیگر پیوند می‌دهند. انتخاب این رویکرد از آن رو بود که تحلیل مضمون امکان شناسایی، سازمان‌دهی و تفسیر الگوهای معنایی موجود در داده‌ها را فراهم می‌سازد و زمینه تبیین عمیق ابعاد پنهان این پدیده را مهیا می‌کند.

جامعه مشارکت‌کنندگان پژوهش را اعضای هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد و دانشجویان سنواتی تشکیل دادند که به‌واسطه تجربه راهنمایی و مشاوره دانشجویان تحصیلات تکمیلی، شناخت عمیقی از ابعاد مختلف پدیده سنواتی شدن داشتند. مشارکت‌کنندگان با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند، به این معنا که افرادی برای مصاحبه برگزیده شدند که تجربه مستقیم و دانش کافی درباره موضوع پژوهش داشته باشند. در ادامه، از روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی نیز استفاده شد و برخی از مشارکت‌کنندگان، اعضای هیئت علمی دیگری را که واجد معیارهای ورود به پژوهش بودند معرفی کردند. گردآوری داده‌ها تا دستیابی به اشباع نظری ادامه یافت؛ به‌گونه‌ای که پس از انجام دوازده مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، داده‌های جدید منجر به استخراج کد یا مضمون تازه‌ای نشد و الگوهای مفهومی تکرار شدند. بر این اساس، تحلیل نهایی بر پایه دوازده مصاحبه عمیق انجام گرفت. مشخصات مشارکت‌کنندگان در جدول شماره یک ارائه شده است.

جدول شماره ۱. مشخصات مصاحبه شوندگان (اعضای هیئت علمی)

کد مصاحبه شونده	رشته تحصیلی عضو هیئت علمی	تعداد دانشجویان سنواتی عضو هیئت علمی
۱	علوم اجتماعی	۴
۲	شیمی	۴
۳	فلسفه	۳
۴	تاریخ	۳
۵	ریاضی محض	۲
۶	مهندسی برق	۴
۷	علوم اجتماعی	۲
۸	مهندسی برق	۳

[1] Thematic Analysis

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

۹	علوم اجتماعی	۲
۱۰	حقوق	۵
۱۱	مهندسی عمران	۲
۱۲	مهندسی کامپیوتر	۳

ابزار اصلی گردآوری داده‌ها، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود. راهنمای مصاحبه بر اساس اهداف پژوهش، پرسش‌های تحقیق و مرور ادبیات موضوع تدوین شد و در جریان مصاحبه‌ها، متناسب با پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان، پرسش‌های تکمیلی نیز مطرح شد تا ابعاد مختلف موضوع با عمق بیشتری واکاوی شود. تمامی مصاحبه‌ها با رضایت آگاهانه مشارکت‌کنندگان ضبط، سپس به‌طور کامل پیاده‌سازی و برای تحلیل آماده شد. همچنین به منظور غنابخشی به یافته‌ها و بررسی میزان انطباق مضامین استخراج‌شده با تجربه‌های زیسته دانشجویان، در مرحله نهایی پژوهش یک نشست گروه کانونی[1] با حضور یازده نفر از دانشجویان سنواتی تحصیلات تکمیلی[2] برگزار شد. این دانشجویان به‌صورت هدفمند و از میان افرادی که تجربه طولانی‌تری از سنوات تحصیلی داشتند انتخاب شدند. داده‌های حاصل از گروه کانونی نیز در استخراج اولیه مضامین به کار نرفت، بلکه برای مقایسه دیدگاه‌های دانشجویان با مضامین حاصل از مصاحبه اعضای هیئت علمی و شناسایی نقاط همگرایی و واگرایی میان دیدگاه استادان و تجربه زیسته دانشجویان مورد استفاده قرار گرفت؛ به‌ویژه در مواردی که دانشجویان تفسیر یا تجربه‌ای متفاوت از روایت اعضای هیئت علمی ارائه کردند، این تفاوت‌ها در مرحله تفسیر و تکمیل یافته‌ها مورد توجه قرار گرفت تا ابعاد کمتر آشکار پدیده سنواتی شدن از منظر دانشجویان نیز در تحلیل نهایی منعکس شود.

جدول شماره ۲. مشخصات شرکت کنندگان در نشست گروه کانونی (دانشجویان سنواتی)

ردیف	مقطع	رشته تحصیلی	ترم
۱	دکتری	دامپزشکی	۱۳
۲	دکتری	ادبیات	۱۲
۳	دکتری	مهندسی کامپیوتر	۱۴
۴	دکتری	زبان و ادبیات فارسی	۱۸
۵	دکتری	جامعه‌شناسی	۱۵
۶	دکتری	تاریخ	۱۴
۷	دکتری	مهندسی شیمی	۱۳
۸	دکتری	فیزیک	۱۲
۹	دکتری	ادبیات	۱۶
۱۰	کارشناسی ارشد*	مهندسی کامپیوتر	۱۱
۱۱	دکتری	کشاورزی	۱۶

برای افزایش اعتبار و قابلیت اعتماد یافته‌ها، از معیارهای پیشنهادی (Lincoln & Guba, 1988) استفاده شد. به‌منظور افزایش اعتبار[3]، بخشی از تحلیل‌ها در اختیار تعدادی از اعضای هیئت علمی مشارکت‌کننده قرار گرفت تا میزان انطباق نتایج با تجربه‌های آنان

[1] Focus Group

[2] در این نشست گروه کانونی دانشجویانی شرکت کرده بودند که مشغول تحصیل در مقطع دکتری بوده و حداقل ۱۱ ترم تحصیلی را گذرانده بودند.

[3] Credibility

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

بررسی شود (بازبینی مشارکت‌کنندگان). همچنین، برای ارتقای قابلیت اعتماد[1]، فرایند کدگذاری به‌صورت مستقل توسط دو پژوهشگر انجام شد و اختلاف‌نظرها از طریق بحث و توافق برطرف گردید. افزون بر این، داده‌های حاصل از نشست گروه کانونی دانشجویان به‌عنوان روشی برای مثلث‌سازی داده‌ها[2] و تقویت اعتبار تفسیری یافته‌ها مورد استفاده قرار گرفت.

یافته ها

در این پژوهش، با بهره‌گیری از تحلیل مضمون، داده‌های حاصل از مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته با اعضای هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد برای شناسایی و سازمان‌دهی الگوهای معنایی مرتبط با علل، زمینه‌ها و پیامدهای سنواتی شدن تحلیل شد. در مرحله تکمیلی، یافته‌های مصاحبه‌ها با دیدگاه‌ها و تجربه‌های زیسته دانشجویان سنواتی در یک نشست گروه کانونی مقایسه و بازخوانی شد تا نقاط همگرایی و واگرایی میان دیدگاه استادان و تجربه دانشجویان آشکار شود. نهایتا یافته‌ها در قالب پنج مضمون فراگیر سازمان‌دهی شده‌اند. مضامین پایه و سازمان‌دهنده نیز در چارچوب شبکه مضامین استخراج و سازمان‌دهی شده و در ادامه تشریح می‌شوند.

تعارض هویت علمی با ضرورت های معیشتی و خانوادگی

یافته‌های حاصل از مصاحبه ها نشان می‌دهد که یکی از بنیادی‌ترین ریشه‌های سنواتی شدن دانشجویان تحصیلات تکمیلی، نه صرفاً در ساختارهای آموزشی، بلکه در تغییر زیست‌جهان دانشجو و بازتعریف اولویت‌های زندگی او قرار دارد. دانشجوی تحصیلات تکمیلی هم‌زمان درگیر نقش‌های متعدد شغلی، اقتصادی و خانوادگی است و این چندگانگی نقش‌ها، زمان و انرژی شناختی او را از فعالیت‌های پژوهشی به سمت مدیریت الزامات معیشتی و زندگی روزمره سوق می‌دهد. در این زمینه، **مصاحبه‌شونده شماره ده بیان می‌کند:** "*بسیاری از دانشجویان در تحصیلات تکمیلی قاضی هستند، وکیل هستند، سردفتر هستند و مشغول کار هستند، این‌ها وقتی که آلوده کار می‌شوند، آلوده پول می‌شوند، انگیزه چندانی برای اینکه زود فارغ‌التحصیل بشوند نخواهند داشت.* " همچنین **مصاحبه‌شونده شماره یک** با اشاره به تداخل نقش‌های اجتماعی اظهار می‌کند: "*اولویت یکشون دانشجویی نیست... غالباً اینایی که یا متأهلن یا کارمندن یا بچه دارند... دغدغه‌های جایگزینی دارند و البته ناچار هستند.*" در کنار این مسئله، فشارهای معیشتی و ضرورت تأمین هزینه‌های زندگی، بخش قابل توجهی از زمان دانشجویان را به فعالیت‌های درآمدزا اختصاص می‌دهد و پژوهش را به فعالیتی ثانویه تبدیل می‌کند؛ چنان‌که **مصاحبه‌شونده شماره دو بیان می کند:** "*دانشجو برای هزینه تحصیلش، برای کرایه خونش مونده، برای هزینه زن و زندگیش مونده... طبیعتاً این دانشجو چون درگیر مسائل مالی میشه عمدتاً زمان تحصیلشون طولانی خواهد شد*" مسئولیت‌های خانوادگی نیز لایه دیگری از این فرایند را شکل می‌دهد؛ به‌طوری‌که **مصاحبه‌شونده شماره سه** به نقش فرزندپروری، اشتغال و مراقبت از والدین اشاره کرده و می‌گوید: "*گاهی مریضی‌های پدر مادر و پرستاری زمان دانشجوها رو می‌گیره.* " افزون بر این، برخی عوامل فردی و انگیزشی نیز در تداوم سنواتی شدن نقش دارند؛ از جمله کاهش انگیزه تحصیلی، ابهام نسبت به آینده شغلی و تغییر کارکرد تحصیلات تکمیلی از مسیر تولید دانش به ابزاری برای تعویق ورود به بازار کار. در این زمینه، **مصاحبه‌شونده شماره دوازده** اظهار می‌کند: " *خیلی از دانشجویان دچار فقدان انگیزه هستند... نمی‌دانند بعد از تحصیل باید چه بکنند... چون می‌دانند که به اندازه کافی برای فارغ‌التحصیل‌ها شغل وجود ندارد.*" در مجموع، یافته‌ها نشان می‌دهد که سنواتی شدن حاصل برهم‌کنش فشارهای اقتصادی، اجتماعی،

[1] Dependability
[2] Data Triangulation

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

خانوادگی و فردی است که به‌تدریج هویت علمی دانشجو را تحت‌الشعاع ضرورت‌های معیشتی قرار داده و روند پیشرفت تحصیلی را کند می‌کند.

جدول شماره ۳. شبکه مضامین مرتبط با تعارض هویت علمی با ضرورت های معیشتی و خانوادگی

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
اشتغال همزمان با تحصیل	تداخل نقش‌های اجتماعی	**تعارض هویت علمی با ضرورت‌های معیشتی و خانوادگی**
چندشغله بودن		
تعارض نقش‌های خانوادگی و شغلی		
هزینه‌های مسکن	فشارهای معیشتی	
هزینه‌های ازدواج		
نبود درآمد پایدار		
اولویت یافتن بقا بر پژوهش		
فرزندپروری	مسئولیت‌های خانوادگی	
مراقبت از والدین		
تعهدات مراقبتی و خانوادگی		
کاهش انگیزه تحصیلی	ویژگی‌های فردی و انگیزشی	
ضعف پایه علمی		
تغییر کارکرد تحصیل به ابزار تعویق در روند فارغ‌التحصیلی		

شواهد حاصل از دیدگاه های دانشجویان در نشست گروه کانونی نیز این مضمون را تایید می کند، با این تفاوت که روایت دانشجویان نشان می دهد که اشتغال و فشار اقتصادی همواره ناشی از تغییر اولویت ها نیست، بلکه در برخی موارد حاصل اجبار معیشتی است. در حالی که برخی از مصاحبه شوندگان اشتغال همزمان را عاملی برای کاهش اولویت تحصیل می دانند، برای نمونه دانشجوی دکتری دامپزشکی، ترم ۱۳، چنین می گوید: *"پدرم کارگر بود و برای تأمین هزینه‌ها از ابتدای دوره دکتری کار می‌کردم... مجبور شدم روزی پنج ساعت در داروخانه دام کار کنم تا بتوانم شهریه بدهم... سنواتی شدن هم مشکل سربازی ایجاد کرده است."* همچنین دانشجوی دکتری ادبیات، ترم ۱۲، نیز تجربه خود را چنین توصیف می کند: *" نه شغل دارم، نه ازدواج کردم، نه پس اندازی دارم... اگر برگردم عقب دیگه دکتری نمی خوانم... ."* این روایت ها نشان می دهد که بر خلاف نگاه یک سویه به نقش اشتغال و مسئولیت های زندگی، سنواتی شدن حتی در نبود اشتغال و مسئولیت های خانوادگی نیز رخ می دهد و در برخی موارد فشار اقتصادی و ساختار تحصیل هست که دانشجو را در مسیر طولانی شدن دوره تحصیلی قرار می دهد.

موانع ساختاری و مسائل بوروکراتیک در تحصیلات تکمیلی

یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که بخشی از پدیده سنواتی شدن دانشجویان تحصیلات تکمیلی به موانع ساختاری، بوروکراسی آموزشی و محدودیت‌های زیرساختی نظام آموزش عالی بازمی‌گردد. در حوزه بوروکراسی آموزشی، پیچیدگی فرایندهای اداری و مقررات آموزشی، روند پیشرفت تحصیلی را با اختلال مواجه می‌کند. در این زمینه، **مصاحبه‌شونده شماره دوازده** بیان می‌کند: *"اگر دانشجو یک ترم درسی را قبول نشود باید یک ترم صبر کند تا دوباره آن درس را بردارد، چون بیشتر درس‌ها ترم در میان ارائه می‌شود."* همچنین

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

مصاحبه‌شونده شماره پنج درباره آزمون زبان اظهار می‌کند: *"این شرط زبان برای قبل از ورود مناسبه، ولی وقتی ورود پیدا کرد... دیگه زبانم نمی‌تونه بخونه، درس داره."* در کنار این موارد، سیاست های تنبیهی دانشگاه نیز به جای کاهش تأخیر، در برخی موارد خود به عاملی برای افزایش سنوات تبدیل می‌شود، زیرا فشارهای مالی ناشی از جریمه‌ها دانشجو را به اشتغال بیشتر سوق می‌دهد. **مصاحبه‌شونده شماره دو** نیز در این خصوص می‌گوید: *"دانشگاه هم میاد اینا رو جریمه می‌کنه... این در واقع کمکی نمی‌کنه به این که دانشجو زودتر فارغ‌التحصیل بشود."* از سوی دیگر، **مصاحبه‌شونده شماره دوازده** بر ضرورت ایجاد سازوکارهای نظارتی مؤثر تأکید کرده و بیان می‌کند: *"باید گزارش‌های شش‌ماهه ضمانت اجرایی داشته باشد... باید سازوکار آن در دانشگاه مشخص باشد."* محدودیت‌های زیرساختی پژوهش نیز سومین بعد این مضمون را تشکیل می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که فرسودگی تجهیزات، طولانی بودن نوبت‌های آزمایشگاهی، هزینه‌های بالای پژوهش و محدودیت دسترسی به منابع علمی، زمان انجام پایان‌نامه را افزایش می‌دهد. **مصاحبه‌شونده شماره نه** درباره محدودیت منابع علمی می‌گوید: *" یک مرتبه می‌بینه بعضی از سامانه‌ها قطع میشه... این عدم دسترسی به منابع، به‌خصوص در علوم انسانی، یکی از مهم‌ترین عوامل تأخیر در فارغ‌التحصیلی هست."* افزون بر این، برخی شرایط خاص دانشجویان، به‌ویژه دانشجویان بین‌المللی، نیز این موانع را تشدید می‌کند؛ چنان‌که **مصاحبه‌شونده شماره ده** بیان می‌کند: *" بسیاری از دانشجویانی که سنواتی می‌شوند، دانشجویان بین‌المللی هستند... به خاطر مشکلات کشورشان یا ناآشنایی با زبان فارسی، نمی‌توانند پایان‌نامه بنویسند و کار به تعویق می‌افتد."* در مجموع، یافته‌ها نشان می‌دهد که سنواتی شدن دانشجویان صرفاً پیامد ضعف انگیزشی یا عملکرد فردی نیست، بلکه حاصل تعامل پیچیده میان دانشجو و ساختارهای بوروکراتیک، سیاست‌های دانشگاهی و محدودیت‌های زیرساختی پژوهش است.

جدول شماره ۴. شبکه مضامین مرتبط با موانع ساختاری و مسائل بروکراتیک در تحصیلات تکمیلی

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضمون فراگیر
کندی سامانه سجاد	بوروکراسی آموزشی و سامانه‌ای	موانع ساختاری و مسائل بوروکراتیک در تحصیلات تکمیلی
الزام نمره زبان		
فرآیندهای اداری پیچیده		
جریمه مالی سنوات	سیاست‌های تنبیهی دانشگاهی	
محدودیت‌های آموزشی		
فشار اقتصادی ناشی از مقررات		
فقدان ضمانت اجرایی قوانین		
فرسودگی تجهیزات آزمایشگاهی	محدودیت‌های زیرساختی پژوهش	
تحریم مواد اولیه		
نوبت‌های طولانی آنالیز		
فقدان سامانه‌های در دسترس برای برخی منابع علمی		

یافته های تحلیل مضمون با تجربه های دانشجویان در نشست گروه کانونی در خصوص بحث سنواتی شدن نیز همسو است. با این حال، روایت دانشجویان ابعاد دیگری از موانع ساختاری را آشکار می‌کند که صرفاً به پیچیدگی فرایندهای اداری و محدودیت‌های زیرساختی تقلیل نمی‌یابد. در این گفتگو، شرکت‌کنندگان، علاوه بر نقد سیاست‌های آموزشی، به برخی رویه‌های نهادی و اداری نیز اشاره کردند. **دانشجوی دکتری مهندسی کامپیوتر، ترم ۱۴**، چنین اظهار داشت: *" هیچ نظارتی بر اساتید راهنما وجود ندارد... سه سال و نیم از دوره من صرف خواسته‌های غیرمرتبط استاد شد... پروژه‌های صنعتی برای استاد مهم‌تر از پژوهش دانشجو است."* همچنین **دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، ترم ۱۸**، چنین بیان داشت: *" دانشگاه دانشجویان را درباره نمره زبان و پذیرش مقاله اذیت می‌کند... قوانین مرتب تغییر می‌کند و فقط استرس*

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

دانشجو بیشتر می‌شود." **دانشجوی جامعه شناسی، ترم ۱۵** اظهار داشت: *«به ما توهین می‌کنند چون سنواتی شدیم؛ با ما بدرفتاری می‌کنند."* از این منظر، تجربه دانشجویان نشان می‌دهد که درک موانع ساختاری بدون توجه به نحوه اجرای قوانین، عملکرد استادان و چگونگی مواجهه سازمان با دانشجویان سنواتی، تصویری ناقص از این پدیده ارائه خواهد داد.

تعاملات استاد و دانشجو و سبک‌های ناکارامد هدایت علمی

یافته‌ها نشان می‌دهد که در برخی موارد، پروژه‌های تعریف‌شده از سوی اساتید بسیار گسترده، آرمانی و فاقد مرز زمانی روشن هستند. چنین پروژه هایی می‌توانند دانشجو را وارد مسیرهای طولانی و فرسایشی کنند و احتمال طولانی شدن دوره تحصیلی را افزایش دهند. **مصاحبه‌شونده شماره هفت** در این خصوص توضیح می‌دهد: *"اساتید پروژه‌های آرمانی یا کلان با دانشجویان تعریف می‌کنند، پروژه‌هایی که حد یا نقطه پایان روشنی هم نداره... این پروژه‌ها باید از سمت دانشگاه متفاوت نگاه بشه و اصلاً سنوات بیشتری برای چنین پروژه‌هایی در نظر گرفته شود."* همچنین تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که در برخی موارد دیگر طولانی شدن دوره تحصیل حاصل مشارکت دانشجویان توانمند در پروژه‌های پژوهشی پیچیده و نوآورانه است که به زمان بیشتری برای تکمیل نیاز دارند. در این زمینه، **مصاحبه شونده شماره هفت** در بخش دیگری از مصاحبه بیان می‌کند: *"یه سری از این بچه‌هایی که سنواتی میشن این اصطلاح نسبتاً منفی بهشون اطلاق میشه بچه‌هایی‌اند که به شدت مستعدن، به شدت توانا هستند و وارد یک رابطه سازنده سطح بالا با اساتیدشون میشن... حتی اساتید رو دنبال خودشون می‌کشن و رشد می‌دن."* این دیدگاه نشان می‌دهد که پدیده سنواتی شدن همواره مترادف با ضعف عملکرد علمی نیست و در برخی موارد می‌تواند محصول فعالیت‌های پژوهشی عمیق، میان‌رشته‌ای و زمان‌بر باشد. از این رو، برخورد یکسان با همه دانشجویان سنواتی و ارزیابی آنان صرفاً بر مبنای مدت زمان تحصیل، می‌تواند منجر به نادیده گرفتن ظرفیت‌های علمی ارزشمند شود.

علاوه بر این، برخی مشارکت‌کنندگان به ضعف ضمانت‌های اجرایی در نظام آموزش عالی اشاره داشتند. **مصاحبه شونده شماره ده** معتقد است: *"دانشجو خیالش راحت است که دانشگاه اخراجش نمی‌کند، راه خروج برای دانشجویان وجود دارد..."* و در ادامه تأکید می‌کند: *"هر کس در بازه قانونی فارغ‌التحصیل نشد، ضمانت اجراهای مالی سنگینی برای هزینه‌های واقعی تحصیل از او بگیرند."* همچنین **مصاحبه‌شونده شماره نه** می‌گوید: *"اساتید راهنما گاهی چند پایان‌نامه و رساله را با هم می‌گیرند..."* و در ادامه می‌افزاید: *"استاد راهنما گاهی به دانشجو فشار می‌آورد که تا زمانی که مقاله ندهی، نمی‌گذارم فارغ‌التحصیل شوی."* این موارد نشان می‌دهد که سبک‌های هدایت علمی، نحوه تعریف پروژه، میزان دسترس‌پذیری استاد و همچنین قواعد حاکم بر فرایند فارغ‌التحصیلی، همگی در شکل‌گیری و تداوم پدیده سنواتی شدن نقش دارند. **مصاحبه شونده شماره شش** در ارتباط با استراتژی های خروج از سنواتی شدن چنین اشاره داشت: *"می تونیم برای دانشجو در دانشکده فعالیت و شغلی ایجاد کنیم، این ایجاد انگیزه می کنه در روند تحصیل."* وی در جای دیگری چنین اشاره داشت: *" ارائه گزارش های دوره ای از ابتدای شروع رساله می تواند بر شیوه پیشبرد رساله ها و پایان نامه های دوران تحصیلات تکمیلی تاثیر بگذارد."*

جدول شماره ۵. شبکه مضامین مرتبط با تعاملات استاد و دانشجو و سبک‌های ناکارامد هدایت علمی

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضمون فراگیر
جلسات صوری راهنمایی	کیفیت نظارت و پایش علمی	
عدم پیگیری مستمر		
فقدان گزارش‌دهی فعال		
پروژه‌های آرمانی و گسترده	مدیریت پروژه پژوهشی	
نبود نقطه پایان در پژوهش		

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

اجبار دانشجو به نگارش مقاله		
انجام بخشی از کار توسط استاد	الگوهای مداخله استاد در فرایند پژوهش	تعاملات استاد و دانشجو و سبک‌های ناکارآمد هدایت علمی
نگارش مقاله توسط استاد		
کاهش استقلال علمی دانشجو		
الزام به چاپ مقاله برای فراغت از تحصیل	سیاست‌های هدایت و ارزیابی علمی	
تراکم بیش از حد دانشجویان تحت راهنمایی استاد		
پژوهش‌های عمیق و زمان‌بر	سنواتی شدن ناشی از پژوهش‌های پیشرو	
دانشجویان مستعد و توانمند		
اهمیت انعطاف در مقررات سنوات		

در ارتباط با این مضمون، دیدگاه دانشجویان در نشست گروه کانونی نیز نقش تعیین‌کننده استاد راهنما را نشان می‌دهد؛ با این حال، روایت آنان در مواردی با دیدگاهی که سنواتی شدن را عمدتاً حاصل مشارکت دانشجویان توانمند در پژوهش‌های عمیق و زمان‌بر می‌داند، تفاوت دارد. مشارکت‌کننده **دانشجوی دکتری تاریخ، ترم ۱۴**، بیان می‌کند: *"استاد راهنمای من وقت نمی‌گذارد... حتی مقالاتم را یک بار هم نخوانده است و دانشجو تبدیل به ماشین مقاله‌نویسی استاد شده است."* **دانشجوی دکتری مهندسی شیمی، ترم ۱۳**، نیز در این خصوص گفت: *"اساتید هیچ ایده و راهنمایی ندارند، سالی یک بار هم جلسه نمی‌گذارند، اما انتظار در حد پروفسور دارند... بریدیم، بی‌پول، بی‌آینده، بی‌کار، بی‌زندگی مستقل... ."* همچنین **دانشجوی دکتری فیزیک، ترم ۱۲**، اظهار داشت: *"وقتی استاد راهنمای من از کشور مین و دیگه جوابگو نیستن، حتی جرات اعتراض ندارم و تنهایی پایان‌نامه را پیش می‌برم و من میمونم و یک جهنم بنام سنوات... و دانشگاه هم نظم و جرات کافی برای رسیدگی در این باره ندارد... ."* در نتیجه، یافته‌ها نشان می‌دهد که سنواتی شدن را نمی‌توان به یک علت واحد، از جمله پیچیدگی و زمان‌بر بودن پژوهش، نسبت داد، زیرا در حالی که برای برخی دانشجویان، طولانی شدن دوره تحصیل ممکن است پیامد مشارکت در فعالیت‌های علمی سطح بالا باشد، برای گروهی دیگر، ضعف هدایت علمی، عدم دسترسی و پاسخ‌گویی استاد و ناکارآمدی سازوکارهای حمایتی دانشگاه می‌تواند به تداوم و تشدید وضعیت سنواتی منجر شود.

فرسایش سرمایه انسانی و انسداد چرخه بازتولید علمی در دانشگاه

سنواتی شدن دانشجویان تحصیلات تکمیلی پیامدهای گسترده‌ای فراتر از تأخیر زمانی دارد و بخش مهمی از کارکرد علمی، روانی و اجتماعی دانشجویان و سیستم آموزش عالی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تحلیل یافته های این تحقیق نشان می‌دهد که طولانی شدن تحصیل علاوه بر افت کیفیت علمی، موجب فشار روانی، اضطراب و ایجاد احساس عقب‌ماندگی در دانشجویان می‌شود و چرخه بهره‌وری آموزشی دانشگاه را مختل می‌کند. یکی از ابعاد مهم، پیامدهای علمی است. دانشجویانی که دوره تحصیل طولانی دارند، اغلب در مواجهه با تحولات سریع رشته‌های نوظهور، از جمله علوم کامپیوتر یا مهندسی هوش مصنوعی، به موضوعات قدیمی روی می‌آورند. **مصاحبه شونده شماره هشت** در این زمینه اشاره می‌کند: *"موضوعات قدیمی میشه... تو رشته‌هایی مثل کامپیوتر... شیش ماه بعد دیگه بحث کهنه شده... من مجبور میشم موضوع رو تغییر بدم."* علاوه بر این، فشار ناشی از زمان طولانی، دانشجو را به سمت انتشار مقاله در مجلات کم‌کیفیت سوق می‌دهد. **مصاحبه شونده شماره پنج** نیز می گوید: *" دانشجو می‌رود سراغ مجلاتی که زودتر چاپ بکنند پولی باشد... این کیفیت را پایین می‌آورد."*

بعد دیگر پیامدهای سازمانی است. حضور طولانی دانشجویان سنواتی موجب اشغال ظرفیت اساتید، آزمایشگاه‌ها و خوابگاه‌ها شده و امکان پذیرش دانشجویان جدید را کاهش می‌دهد. این وضعیت، چرخه بازتولید نیروی انسانی و جریان تازه دانشجویان در دانشگاه را با اختلال مواجه می‌کند. در ارتباط با پیامدهای روانی و اجتماعی نیز باید گفت که تداوم وضعیت سنواتی باعث ایجاد اضطراب مزمن،

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

فرسودگی روانی و کاهش اعتماد به نفس می‌شود. دانشجو حس می‌کند که از هم‌دوره‌ای‌های خود عقب مانده و کنترل آینده تحصیلی خود را از دست داده است. **مصاحبه شونده شماره هفت** نیز این اثر را چنین توصیف کرد: *"این برچسب سنواتی به دانشجوها هم اونا رو بی‌انگیزه می‌کنه هم بار روانی زیادی برای اون ها داره... دانشگاه ساز و کاری برای این تفکیک بین دانشجویی که واقعا کار نمی کنه و دانشجویی که کار می کنه اما موضوعش این رو طلب می کنه زمان بیشتری در دانشگاه دانشجو باشد، قائل نیست."*

جدول شماره ۶. شبکه مضامین مرتبط با فرسایش سرمایه انسانی و انسداد چرخه بازتولید علمی در دانشگاه

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضمون فراگیر
قدیمی شدن موضوعات تحقیق	پیامدهای علمی	فرسایش سرمایه انسانی و انسداد چرخه بازتولید علمی در دانشگاه
افت کیفیت مقالات		
کاهش نوآوری پژوهشی		
اشغال ظرفیت اساتید	پیامدهای سازمانی	
اشغال خوابگاه‌ها		
محدودیت در جذب دانشجوی جدید		
اضطراب	پیامدهای روانی ـ اجتماعی	
فرسودگی روانی		
کاهش اعتماد به نفس		
احساس عقب‌ماندگی		
فشار اجتماعی و خانوادگی		

استمرار شرایط سنواتی، پیامدهای روانی و اجتماعی قابل توجهی برای دانشجویان ایجاد می کند. در یافته های حاصل از گروه کانونی این مورد تایید شده است. **دانشجوی دکتری ادبیات، ترم ۱۶**، در این خصوص گفت: *"وقتی از من می پرسند ورودی چه سالی هستی، به خاطر طولانی دشن دوره تحصیل واقعا احساس شرمندگی می کنم و بی نهایت احساس سر افکندگی می کنم... ."* **دانشجوی دکتری جامعه شناسی، ترم ۱۵**: *" استاد درگیر کارهای اجراییه أصلا به کارهای ما و رساله های ما نمی رسه... ."*، بنابراین فرسایش سرمایه انسانی در دانشجویان سنواتی صرفا پیامد طولانی شدن تحصیل نیست بلکه حاصل انباشت فشارهای آموزشی، ساختاری و روانی است که چرخه بازتولید علمی دانشگاه را نیز با اختلال های جدی رو به رو می کند. در واقع بر اساس روایت اخیر بر خلاف تاکید بر ماهیت پژوهش و ضرورت زمان بیشتر برای برخی از دانشجویان نشان می دهد در مواردی ضعف حمایت و پیگیری آموزشی از سوی استاد راهنما می تواند در طولانی شدن دوره تحصیل نقش داشته باشد. در واقع کیفیت حمایت آموزشی و نحوه تعامل استاد و دانشجو می‌تواند در شکل‌گیری و تداوم وضعیت سنواتی شدن موثر باشد.

الگو های متفاوت رسوب تحصیلی در تحصیلات تکمیلی

تحلیل یافته ها نشان می‌دهد که دانشجویان سنواتی یک گروه همگن نیستند و هر گروه با مجموعه متفاوتی از موانع و چالش‌ها مواجه است. یکی از تیپ‌ها، دانشجوی معیشت‌زده است. این دانشجویان به دلیل فشارهای اقتصادی و اشتغال همزمان، انرژی و زمان کافی برای پژوهش ندارند. این گروه عمدتاً به دنبال راه‌هایی برای بقا هستند و پژوهش علمی در اولویت دوم یا سوم آنان قرار دارد. **مصاحبه شونده شماره ۴** در این باره گفت: *"دانشجویی که همزمان کار می کند عملا نمی تواند همان زمانی را که برای رساله لازم است اختصاص بدهد و کار پژوهش مرتب عقب می افتد."* تیپ دوم، دانشجوی بوروکراسی‌زده است. این دسته از دانشجویان در مسیر اداری و قوانین سختگیرانه دانشگاه گرفتار شده‌اند و کندی سامانه‌ها، آزمون زبان و فرآیندهای اداری موجب افزایش مدت تحصیل آنها می‌شود. **مصاحبه شونده**

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

شماره ده در این خصوص گفت: *" آزمون زبان بچه ها رو خیلی عقب می اندازه، به علاوه این که خیلی از استاد ها دانشجویان رو برای نوشتن مقاله نگه می دارند... ."* تیپ سوم، دانشجوی گرفتار موانع زیرساختی یا علمی است. برخی دانشجویان به دلیل محدودیت دسترسی به تجهیزات آزمایشگاهی، مواد اولیه یا ضعف پایه علمی، پیشرفت تحصیلی‌شان کند می‌شود. **مصاحبه شونده شماره ۵** در این خصوص گفت: *" دانشجوی من باید مدت ها در نوبت آزمایشگاه باشد که این کار اون رو عقب می اندازه... ."* در مجموع، سنخ‌شناسی دانشجویان سنواتی نشان می‌دهد که این پدیده دارای ماهیتی چندبعدی و ناهمگون است. هر سه گروه تجربه انباشت موانع و فرسایشی شدن مسیر تحصیلات تکمیلی را داشته اند.. بنابراین، سیاست‌های حمایتی و مداخلات دانشگاهی زمانی اثربخش خواهند بود که بر اساس شناخت این تفاوت‌ها طراحی شوند و از رویکردهای یکسان‌ساز و کلی‌نگر فاصله بگیرند.

جدول شماره ۷. شبکه مضامین مرتبط با الگوهای متفاوت رسوب تحصیلی در تحصیلات تکمیلی

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضمون فراگیر
اشتغال همزمان با تحصیل	دانشجوی معیشت‌زده	الگو های متفاوت رسوب تحصیلی در تحصیلات تکمیلی
فشار اقتصادی		
تأخیر در پژوهش		
اولویت دادن به بقا		
گرفتار سامانه‌های اداری	دانشجوی بوروکراسی‌زده	
آزمون زبان		
مقررات سختگیرانه		
تأخیر ناشی از قوانین دانشگاه		
محدودیت دسترسی به تجهیزات و مواد	دانشجوی گرفتار موانع زیرساختی	
ضعف علمی پایه		
نوبت‌های طولانی خدمات پژوهشی		

بررسی دیدگاه های دانشجویان نشان می دهد که مسیرهای منتهی به سنواتی شدن یکسان و خطی نیستند و هر دانشجو متناسب با شرایط آموزشی، شغلی، پژوهشی و فردی تجربه متفاوتی از طولانی شدن دوره تحصیل خود دارد، یافته های نشست گروه کانونی نیز تنوع مسیر ها را تایید می کند. **دانشجوی دکتری کشاورزی، ترم ۱۶** در این باره گفت: *"کار جوجه‌ریزی یا پروژه‌های آزمایشگاهی نیازمند پیگیری روزانه و زمان طولانی است، که معمولا تجهیزات بسیار کمه و نوبت دهی ها زمان بر هست، اما خب اشتغال منم تو این روند بی تاثیر نبوده"* در حالی که از دیدگاه برخی اعضای هیئت علمی، ماهیت پروژه و محدودیت‌های زیرساختی می‌تواند عامل اصلی طولانی‌شدن دوره تحصیل باشد، تجربه این دانشجو نشان می‌دهد که عوامل فردی و اقتصادی، به‌ویژه اشتغال همزمان و فشارهای معیشتی، می‌توانند این مسیر را تشدید کرده و موجب توقف‌های مکرر در فرایند پژوهش شوند.

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان داد که سنواتی شدن دانشجویان تحصیلات تکمیلی صرفاً ناشی از ویژگی‌های فردی یا ضعف عملکرد دانشجو نیست، بلکه حاصل برهم‌کنش عوامل اقتصادی، ساختاری، آموزشی و اجتماعی است. در واقع سنواتی شدن پدیده‌ای ساختاری و چندبعدی است که در تعامل میان دانشجو و نظام آموزش عالی شکل می‌گیرد. یکی از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش، تعارض میان هویت علمی دانشجویان و الزامات معیشتی و خانوادگی بود، به‌گونه‌ای که اشتغال هم‌زمان و مسئولیت‌های اقتصادی و خانوادگی، بخشی از زمان و انرژی دانشجویان را از فعالیت‌های پژوهشی به تأمین معیشت سوق داده و فرایند فراغت از تحصیل را طولانی‌تر می‌کند. این یافته با

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

نتایج Ghayasi Nadooshan (2022)، Tabei et al. (2024) و مدل محدودیت نقدینگی Letkiewicz et al. (2014) همسو است. همچنین، از منظر نظریه سرمایه انسانی Becker (1962)، محدودیت منابع مالی موجب تخصیص بخشی از زمان دانشجو به فعالیت‌های درآمدزا می‌شود. از سوی دیگر، سنواتی شدن در بسیاری از موارد پیامد موانع ساختاری و سازمانی دانشگاه، از جمله پیچیدگی فرایندهای اداری، تغییر مقررات، کمبود امکانات پژوهشی و ضعف حمایت‌های نهادی است. این یافته با مطالعات Fattahi et al. (2021) و hayasi Nadooshan (2022)و نیز مطالعات Aiken et al. (2020) و Aina et al. (2019)درباره نقش ساختارهای نهادی در طولانی شدن فرایند فراغت از تحصیل همخوانی دارد.

در کنار این موانع ساختاری، کیفیت تعاملات علمی میان استاد و دانشجو نیز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سازوکارهای شکل‌دهنده سنواتی شدن آشکار شد. مشارکت‌کنندگان از تأخیر در ارائه بازخورد، نبود دسترسی مستمر به استاد، واگذاری وظایف غیرمرتبط، نبود نظارت مؤثر بر فرآیند هدایت پایان‌نامه و اولویت یافتن منافع پژوهشی استاد بر پیشرفت علمی دانشجو سخن گفتند. این یافته با نتایج Alizadeh Aghdam et al. (2022) و Gholamzadeh Nikjoo et al. (2024) همخوانی دارد که کیفیت روابط استاد و دانشجو را از مهم‌ترین تعیین‌کننده‌های فرسودگی تحصیلی معرفی کرده‌اند. همچنین، این نتیجه در چارچوب نظریه انسجام دانشگاهی Tinto (1975) نیز قابل تفسیر است؛ زیرا کاهش انسجام آکادمیک و ضعف تعاملات علمی، تعهد دانشجو به ادامه مسیر پژوهش را کاهش داده و احتمال طولانی شدن دوره تحصیل را افزایش می‌دهد.

تحلیل تجربه مشارکت‌کنندگان نشان داد که پیامدهای سنواتی شدن صرفاً متوجه دانشجویان نیست، بلکه به تدریج ظرفیت علمی دانشگاه را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. فرسودگی پژوهشی، کاهش انگیزه، قدیمی شدن موضوعات تحقیق، افت کیفیت تولیدات علمی و اشغال طولانی‌مدت ظرفیت‌های آموزشی و پژوهشی، همگی نشان می‌دهد که سنواتی شدن می‌تواند چرخه بازتولید سرمایه انسانی و تولید دانش را با اختلال مواجه کند. این یافته با نتایج Fricke (2018) و Minor (2023)همسو است که تأخیر در فراغت از تحصیل را با کاهش بهره‌وری علمی و افزایش هزینه‌های نظام آموزش عالی مرتبط دانسته‌اند. از این منظر، سنواتی شدن صرفاً یک مسئله آموزشی نیست، بلکه چالشی در حوزه حکمرانی دانشگاه و مدیریت سرمایه انسانی نیز به شمار می‌آید.

در عین حال، یافته‌های این پژوهش نشان داد یافته‌ها نشان داد که دانشجویان سنواتی گروهی همگن نیستند و مسیرهای طولانی شدن تحصیل، متناسب با شرایط فردی و زمینه‌های اجتماعی متفاوت است؛ به‌گونه‌ای که برای برخی فشارهای اقتصادی و اشتغال هم‌زمان، و برای برخی دیگر ضعف هدایت علمی، محدودیت‌های زیرساختی، پیامدهای آموزش مجازی دوران کرونا یا مسائل خانوادگی نقش تعیین‌کننده دارد. این یافته با دیدگاه‌های Liu (2022)و Vahedi et al. (2015)همسو است و نشان می‌دهد سیاست‌های یکسان نمی‌تواند پاسخگوی تنوع مسیرهای شکل‌گیری سنواتی شدن باشد. در مجموع، برخلاف بسیاری از پژوهش‌های پیشین که عوامل سنواتی شدن را به‌صورت متغیرهای مستقل بررسی کرده‌اند، یافته‌های حاضر نشان می‌دهد این عوامل در تجربه واقعی دانشجویان به‌صورت شبکه‌ای، هم‌پوشان و متقابل عمل می‌کنند و از این منظر، پژوهش حاضر تبیینی چندبعدی‌تر از این پدیده ارائه می‌دهد.

همچنین مقایسه دیدگاه اعضای هیئت علمی با مباحث مطرح‌شده در نشست گروه کانونی دانشجویان نشان داد که اگرچه هر دو گروه برخی موانع ساختاری، اقتصادی و پژوهشی را در شکل‌گیری سنواتی شدن مؤثر می‌دانستند، در نحوه تفسیر و برجسته‌سازی عوامل تفاوت‌هایی وجود داشت. در روایت اعضای هیئت علمی، ضعف برنامه‌ریزی دانشجو، مشکلات علمی و دشواری‌های فرایند پژوهش برجستگی بیشتری داشت، در حالی که دانشجویان بر فشارهای معیشتی، پیچیدگی مقررات، دشواری دسترسی به استاد و تأثیر مستقیم

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

فرایندها و تصمیمات دانشگاهی بر طولانی شدن تحصیل تأکید بیشتری کردند. بنابراین، نشست گروه کانونی نشان داد که بخشی از ابعاد سنواتی شدن در تجربه زیسته دانشجویان با تفسیر اعضای هیئت علمی همپوشانی دارد، اما برخی عوامل و سازوکارها از منظر دانشجویان معنای متفاوت یا اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. این تفاوت دیدگاه، ضرورت توجه هم‌زمان به نگاه نهادی استادان و تجربه زیسته دانشجویان را در تبیین این پدیده برجسته می‌سازد.

برخلاف بخش عمده مطالعات پیشین که هر یک عمدتاً بر یک یا چند عامل مجزا مانند فرسودگی تحصیلی، فشارهای اقتصادی، ویژگی‌های روان‌شناختی یا موانع آموزشی تمرکز داشته‌اند (Barzegar Bafrooei et al., 2015; Ghayasi Nadooshan, 2022; Aiken et al., 2020; Aina et al., 2019)، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که سنواتی شدن را نمی‌توان با اتکا به یک عامل منفرد تبیین کرد. نوآوری اصلی این پژوهش در ارائه تبیینی مفهومی از پدیده سنواتی شدن است که آن را حاصل برهم‌کنش مستمر و پویای فشارهای معیشتی و خانوادگی، محدودیت‌های ساختاری و بوروکراتیک، کیفیت هدایت علمی، ضعف زیرساخت‌های پژوهشی و تفاوت در مسیرهای تجربه‌شده دانشجویان می‌داند. از این منظر، سنواتی شدن نه یک مسئله صرفاً فردی و نه صرفاً سازمانی، بلکه پدیده‌ای چندسطحی و چندبعدی است که در تعامل میان دانشجو، استاد، ساختارهای دانشگاهی و شرایط اقتصادی و اجتماعی شکل می‌گیرد. بر این اساس، مدیریت مؤثر آن نیز مستلزم اتخاذ رویکردی چندسطحی است که به‌طور هم‌زمان اصلاح فرآیندهای اداری، ارتقای کیفیت هدایت علمی، توسعه حمایت‌های رفاهی و پژوهشی و طراحی مداخلات متناسب با ویژگی‌ها و نیازهای گروه‌های مختلف دانشجویان را در بر گیرد.



[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

Resources

Aiken, J. M., De Bin, R., Hjorth-Jensen, M., & Caballero, M. D. (2020). Predicting time to graduation at a large enrollment American university. Plos one, 15(11), e0242334.

Aina, C., Baici, E., Casalone, G., & Pastore, F. (2018). The economics of university dropouts and delayed graduation: a survey (No. 11421). IZA Discussion Papers.

Aina, C., Baici, E., Casalone, G., & Pastore, F. (2019). Delayed graduation and university dropout: A review of theoretical approaches.

Alizadeh Aghdam, M. B., Abbaszadeh, M., & Saei, M. (2021). The role of employment hope and spiritual-social well-being in students' academic burnout (A case study of students at the University of Tabriz). Contemporary Sociology Research Quarterly, 11(21), 49–76. [In Persian]

Alizadeh Aghdam, M. B., Abbaszadeh, M., & Saei, M. (2022). A sociological study of students' academic burnout. Iranian Journal of Social Studies and Research, 11(2), 481–516. [In Persian]

Barzegar Bafrooei, K., Darbidi, M., & Hemmati, H. (2015). A causal model of the effect of academic motivation on academic burnout with the mediating role of students' academic procrastination. Journal of Studies in Learning and Instruction, 7(2), 127–153. [In Persian]

Becker, G. S. (1962). Investment in human capital: A theoretical analysis. Journal of political economy, 70(5, Part 2), 9-49.

Fattahi, M., Dehghani, M., & Salehi, K. (2021). Analysis of students' perceptions of the concept of redundant learning and its consequences in educational sciences. Teaching and Learning Research, 18(1), 53–70. [In Persian]

Fricke, H. (2018). Tuition fees, student finances, and student achievement: evidence from a differential raise in fees. Journal of Human Capital, 12(3), 504-541.

Ghanbari, S., & Ahmadi, M. (2021). The role of educational service quality in reducing academic burnout among postgraduate students: The mediating role of research competencies. Educational Measurement and Evaluation Studies, 12(37), 1–29. [In Persian]

Ghayasi Nadooshan, S. (2022). Identification and analysis of factors affecting the increase in study duration among postgraduate students and its consequences. Educational Research, 44, 131–158. [In Persian]

Gholamzadeh Nikjoo, R., Jamshidi Aghdam, F., & Behjat, M. (2024). Explaining the reasons for the increase in students' study duration and presenting strategies for improving the current situation from the perspective of postgraduate students at Tabriz University of Medical Sciences: A qualitative study. Journal of Medical Education Development, 19(4), 1042–1054. [In Persian]

Görgen, K., & Schienle, M. (2019). How have German university tuition fees affected enrollment rates: robust model selection and design-based inference in high-dimensions. arXiv preprint arXiv:1909.08299.

Hosseini Largani, S. M. (2018). Analysis of academic burnout among students in the higher education system of Iran: Identifying determinants and strategies. Journal of Research and Planning in Higher Education, 23(3), 43–69. [In Persian]

Khabbaz, M., Karimi, Y., Karimian, N., & Shahbakhsh, A. (2015). A comparative study of the relationship between dimensions of perfectionism and social support with academic burnout among students of Allameh Tabataba'i University. Research in Clinical Psychology and Counseling, 4(2), 82–96. [In Persian]

Leon, M. A. B., Scott, A. G., Koke, A. M., Fiorini, S., & Rangazas, A. (2019). Claiming their education: The impact of a required course for academic probation students with a focus on purpose and motivation. Journal of the Scholarship of Teaching and Learning, 19(4).

Letkiewicz, J., Lim, H., Heckman, S., Bartholomae, S., Fox, J. J., & Montalto, C. P. (2014). The path to graduation: Factors predicting on-time graduation rates. Journal of College Student Retention: Research, Theory & Practice, 16(3), 351-371.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1988). Criteria for Assessing Naturalistic Inquiries as Reports.

Liu, M. (2022). The relationship between students' study time and academic performance and its practical significance. BCP Education & Psychology, 7, 412-415.

Minor, R. (2023). How tuition fees affected student enrollment at higher education institutions: the aftermath of a German quasi-experiment. Journal for Labour Market Research, 57(1), 28.

Mohammadi, M., Keshavarzi, F., & Heydari, E. (2015). Presenting a causal model of university environment quality, academic and social integration, and students' academic burnout. Psychological Methods and Models, 4(16), 11–28. [In Persian]

Moraga-Pumarino, A., Salvo-Garrido, S., & Polanco-Levicán, K. (2023). Profiles of university students who graduate on time: A cohort study from the chilean context. Behavioral Sciences, 13(7), 582.

Naeimi, A. Z. (2009). The relationship between the quality of learning experiences and academic burnout among master's students at Shahid Chamran University of Ahvaz. Psychological Studies, 5(3), 117–134. [In Persian]

Pêgo, J. P., Miguéis, V. L., & Soeiro, A. (2024). Students' complex trajectories:exploring degree change and time to degree. International Journal of Educational Technology in Higher Education,21(1), 8.

Richardson, M., Abraham, C., & Bond, R. (2012). Psychological correlates of university students' academic performance: a systematic review and meta-analysis. Psychological Bulletin, 138(2), 353–387.

Rokhshandehrou, S., & Ghaffari, M. (2018). The relationship between spirituality and demographic factors among students residing in dormitories at Shahid Beheshti University of Medical Sciences. Journal of Research on Religion & Health, 3(4), 78–88. [In Persian]

Sajjadi, S. E., Maroufi, Y., & Azizi, N. (2026). Manifestations of the duality of compassion in the professional lives of faculty members and students. Iranian Journal of Higher Education, (2)18, 89–112. [In Persian]

Sheikholeslami, A., Karamianpour, G., & Vaisi, R. (2016). Predicting academic burnout based on university quality of life and employment hope among students. Educational Psychology Quarterly, 12(39), 25–43. [In Persian]

Tabei, M., Soleimanpour, R., Ghaffari, G. R., & Nayebi, H. (2024). An analysis of the causes of extended duration of study among university students in Iran (A case study of postgraduate students at Ferdowsi University of Mashhad). Iranian Journal of Higher Education, 15(2), 65–84. [In Persian]

Tinto, V. (1975). Dropout from higher education: A theoretical synthesis of recent research. Review of educational research, 45(1), 89-125.

Gharaeian, L., Afkaneh, S., & Zamani, A. (2025). A skill-based education model in higher education. Iranian Journal of Higher Education, 17(2), 132–155. [In Persian]

Tinto, V., & Pusser, B. (2006). Moving from theory to action: Building a model of institutional action for student success. National Postsecondary Education Cooperative, 1(51), 89-125.

Vahedi, S., Hashemi, T., & Shafiei Sorek, S. (2015). The effects of study duration, neuroticism, and self-regulation strategies on academic burnout: Testing a conceptual model. Knowledge and Research in Applied Psychology, 15(3), 71–81. [In Persian]

Webber, D. A., & Ehrenberg, R. G. (2010). Do expenditures other than instructional expenditures affect graduation and persistence rates in American higher education?. Economics of Education Review, 29(6), 947-958.

Witteveen, D., & Attewell, P. (2021). Delayed time-to-degree and post-college earnings. Research in Higher Education, 62(2), 230-257

Attride-Stirling, J. (2001). Thematic networks: an analytic tool for qualitative research. *Qualitative research*, *1*(3), 385-405.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]